یکشنبه ۳۰ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۳۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

ترور قضات دیوان عالی کشور توسط عامل نفوذی چه معنایی دارد؟

بوی باروت دهه ۶۰

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

دیروز شنبه ۲۸ دی ۱۴۰۳، ایران و تهران بوی سال ۱۳۶۰ و آن دهه را به خود گرفت. بر اساس آنچه نهادهای رسمی اعلام کرده‌اند، روز گذشته یک عامل نفوذی که در دیوان عالی اشتغال داشت، با تیراندازی به سمت قضات سرشناس این دیوان، آن‌ها را به شهادت رسانده است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی رازینی و حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد مقیسه دو تن از شهدای این واقعه‌اند. همچنین یک محافظ نیز در این واقعه مجروح شده است. این ترور ابعادی دارد که در گزارش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

تقاطع‌های زمانی

زمان عنصر مهمی در اجرای ترورهاست و ازاین‌رو باید اتفاقات مهم هم‌زمان با ترور را شناسایی کرد. الزاماً تمام این عوامل در ترور نقش نداشته و از سوی دیگر می‌توان برخی از آن‌ها را در رخداد چندعاملی دخیل دانست.

۱. آتش‌بس غزه

آتش‌بس‌های صورت‌گرفته در جریان جنگ طوفان الاقصی برای رژیم صهیونیستی و آمریکا به دلایل مختلفی اهمیت دارند؛ یک دلیل، برداشت‌هایی است که از طرف شکست‌خورده در جنگ ایجاد می‌شود و تل‌آویو تلاش می‌کند با انجام برخی تحرکات، مانع از سنگینی وزنه مقاومت در این نتیجه‌گیری‌ها شود. به‌عنوان نمونه، چند ساعت پس از آتش‌بس میان مقاومت لبنان و رژیم صهیونیستی، حمله تروریست‌ها به حلب آغاز شد که در نهایت به سقوط نظام سیاسی سوریه ختم گشت. سقوط سوریه می‌توانست برداشت و تصویر پیروزی مقاومت لبنان در جنگ با رژیم را به محاق ببرد.

پس از آتش‌بس با غزه نیز این اقدام اما علیه ایران در اندازه خودش انجام شد، اما این ترور احتمالاً آغاز زنجیره‌ای از وقایع است تا به میزانی برداشت‌ها و تصویر پیروزی مقاومت غزه در جنگ زایل شود. دومین دلیل رژیم صهیونیستی و آمریکا برای اقداماتشان مماس بر آتش‌بس‌ها، جلوگیری از پشتیبانی و بازسازی گروه‌های مقاومتی است که در جنگ حضور داشته‌اند. فشار بر جبهه سوریه پس از آتش‌بس لبنان این مسئله را نشان داد.

۲. روی کار آمدن ترامپ

ترور تقریباً مماس بر مراسم تحلیف ترامپ صورت گرفته است. چه او بخواهد؛ مانند دولت اولش عمل کند یا نه ترور شنبه این پیام را به افکار عمومی می‌دهد که کارزار فشار حداکثری رادیکال‌تر از گذشته باز می‌گردد.

۳. توافق راهبردی با روسیه

یک روز قبل از ترور قضات دیوان عالی، توافق راهبردی میان ایران و روسیه توسط رؤسای جمهور دو کشور به امضا رسید. توافق راهبردی با روسیه و چین به همراه مذاکره با اروپا نشان‌دهنده پیگیری سیاست چندجانبه‌گرایی توسط تهران است؛ موضوعی که به‌شدت با یک‌جانبه‌گرایی مدنظر آمریکا که ترامپ نمود برجسته آن است، در تضاد قرار دارد.

نکات

۱. محل ترور ساختمان دیوان عالی متعلق به مجموعه قوه قضائیه است. همچنین در نزدیکی آن، مجموعه اصلی وزارت خارجه، دیگر ساختمان‌های اصلی قوه قضائیه، شورای شهر و شهرداری قرار دارند. باتوجه‌به تراکم ساختمان‌های سیاسی، در محل مزبور دست‌کم سه‌لایه حفاظتی وجود داشته است. باتوجه‌به تجمع مراکز سیاسی مهم، این منطقه از یک لایه حفاظت عمومی برخوردار بوده و در لایه دوم، دیوان عالی و اماکن آن توسط سازمان مربوطه کنترل می‌شده و در لایه سوم، قضات عالی‌رتبه خود نیز دارای محافظ بوده‌اند.

برای این ترور، گروه طراحی‌کننده باید با هر سه‌لایه به‌گونه‌ای تعامل و رفتار می‌کرد تا ناکارآمد شوند.

ترور عملیاتی سازماندهی‌شده نبوده است، به این معنا که تعدادی تروریست با حرکت از مبدأ وارد محیط شده و اقدام به عملیات در قالب تیراندازی کنند. لایه امنیتی نخست که از اماکن سیاسی حفاظت می‌کند، بر روی این نوع از عملیات متمرکز بوده و مؤثر واقع می‌شود.

در لایه دوم امنیتی که مربوط به قوه قضائیه است، دوشاخه دیده می‌شوند؛ حراست اماکن سازمان که وظیفه کنترل ورود و خروج‌ها و جلوگیری از انتقال سلاح را برعهده دارد و حفاظت اطلاعات که این شاخه نیز مسائل مختلف از جمله ارتباطات خاص کارکنان را رصد می‌کند.

در لایه سوم هم محافظان، وظیفه حفاظت فیزیکی از مسئولان را برعهده دارند. به نظر می‌رسد اشکال اصلی در یک شاخه از لایه دوم و همچنین لایه سوم امنیتی صورت گرفته است. شاخه حفاظت اطلاعات، باید نسبت به ارتباطات و نوع رفتار کارمندان حساس باشد که در این فقره از شناسایی تهدید بازمانده است. شاخه دیگر لایه دوم که حراست سازمان است، اگر آن‌گونه که گفته می‌شود، فرد تروریست‌کننده سلاحی وارد ساختمان نکرده و در داخل اقدام به تأمین سلاح نموده است، از تقصیرها مبرّاست. در لایه سوم که محافظان هستند، احتمالاً اشتباه هولناکی صورت گرفته است. در این محیط، احتمالاً تیم حفاظت باتوجه‌به موقعیت و احساس راحتی در ساختمان‌سازمانی، برخی جوانب را رعایت نکرده است. برخی گمانه‌زنی‌ها حکایت از آن دارد که فرد تروریست‌کننده، از اسلحه یکی از محافظان برای ترور استفاده کرده است.

در اینجا باتوجه‌به نوع ترور که با اسلحه صورت گرفته، نقش لایه سوم امنیتی یعنی محافظان بیشتر به نظر می‌رسد، اما اگر فرد نفوذی تصمیم می‌گرفت از مسیر دیگری مانند ریختن سم در چای یا غذا برای ترور بهره گیرد، آنگاه نقش محافظان چگونه بود؟

به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله مربوط به شاخه حفاظت اطلاعات سازمان در لایه دوم امنیتی بود. به عبارتی دیگر، بیشتر از جنبه فیزیکی ترور، جنبه اطلاعاتی آن مهم است، زیرا دسترسی ایجادشده به افراد امکان ترور آن‌ها را از دیگر راه‌ها تأمین می‌کرده است.

شاید در اینجا بتوان گفت در صورت اقدام فرد مزبور برای واردکردن سم یا مواد بیولوژیک به داخل، حراست فیزیکی می‌توانست آن را کشف کند. در این باره دو پاسخ وجود دارد؛ آیا حراست‌ها که دست به بازرسی بدنی می‌زنند به چنین دستگاه‌هایی مجهز هستند و یا اینکه فرد مزبور نمی‌توانست با سلاح سرد قضات را ترور کند؟

در ترور روز شنبه بیشتر از حفاظت فیزیکی، حفاظت اطلاعاتی دارای اهمیت است.

۲. کسی این ترور را انجام داده که به دلیل شغلش به تحرکات افراد و حتی علاقه‌مندی‌های آنان اطلاع داشته است. گروه تروریست‌کننده خواهان تأکید بر احاطه خود بر مسئولان بوده است.

۳. عامل ترور شاید می‌توانست اقدام خود را از طریق سم انجام دهد، اما ترور با اسلحه نشان می‌دهد هدف از ترور روز شنبه خشونت و خون‌ریزی بوده است.

۴. باتوجه‌به حضور پیوسته عامل ترور و دسترسی تقریباً دائمی‌اش به قضات، امکان ترور همواره وجود داشته، اما آنچه مانع ترور می‌شده، دستور اجرا بوده است.

۵. یکی از اهداف ترور نمایش نفوذ سنگین در داخل کشور و دامن‌زدن به مباحث آن بوده است. خط ایجاد تلقی نفوذ سنگین در داخل کشور با ترور شهید اسماعیل هنیه، رئیس‌دفتر سیاسی حماس در تهران قدرت زیادی گرفت. با آرام‌شدن اوضاع، چندی قبل دوباره تلاش شد این دیدگاه با گزارش یک رسانه درباره کارگذاشتن بمب زیر بالشت شهید هنیه مجدداً پررنگ شود و حالا چند روز بعد ترور قضات اقدامی دیگر برای پررنگ‌کردن این مسئله است.

برای دشمنی که شهید هنیه را ترور کرد، در رسانه‌های مشهور گزارش نحوه ترور را بارها تکرار کرد و قضات دیوان عالی را به شهادت رساند، تثبیت دسترسی‌اش به همه مسئولان در ایران و محور مقاومت بسیار مهم است.

شکست‌های میدانی دشمن را به هدف‌گیری رئوس تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز رسانده تا با فرمان و رفتار آن‌ها، عوامل میدانی بر ضد دشمن کنترل شوند.

۶. به نظر می‌رسد هدف، اختلال در عملکرد دستگاه‌های امنیتی و مشغول سازی آن‌ها برای نفوذ در دیگر بخش‌ها باشد.

۷. یک هدف مهم ترورها و حملات نشان‌دادن خارج بودن اوضاع از دستان حکومت است. غرب و تروریست‌ها روی موج مشکلات چند عرصه‌ای کشور می‌خواهند نشان دهند اوضاع ازهم‌گسیخته است. این مسئله یک فضای عمومی در کشور ایجاد کرده و باعث برانگیخته‌شدن انتقادات می‌شود.

۸. ترور قضات دیوان عالی از جنبه‌ای معطوف به قوت قلب دادن به عناصر داخلی برای اقدام علیه کشور است. دشمن قصد دارد بگوید از آن‌ها حمایت خواهد کرد و ازاین‌رو مخالفان نیز باید بر تردید خود غلبه کرده و حرکت کنند.

۹. گرانی ارز و ناترازی‌های انرژی به‌زعم غرب فرصت خوبی برای آغاز اعتراضات است؛ چه اینکه اصل برنامه‌ریزی برای اغتشاش شناسایی شده و سرکوب آن‌ها این تهدید را ایجاد کرده که کل خط و طراحی از اثر بخشی بیفتد.

به نظر، دشمن می‌خواهد تا اساس طرح به محاق نرفته، از آنچه انباشت کرده بهره گیرد.

۱۰. احتمالاً قرار است آشوبگران هم‌زمان با روی کار آمدن ترامپ و شادی برخی از آن‌ها، اغتشاش را کلید بزنند. این مسئله از مدت‌ها قبل پیش‌بینی شده است. نقاط زمانی روی کار آمدن ترامپ، ناترازی انرژی، گرانی ارز، آلودگی هوا و فرصت در حال عبور، دشمن را به این برنامه‌ریزی کشانده است.

ارتباط ترامپ با این تحولات می‌تواند از چند جنبه باشد. جلب نظر ترامپ برای کشاندن وی به سمت اقدامات رادیکال در برابر تهران هدف اصلی است. تروریست‌ها قصد دارند ترامپ را به سمت اقدامات محدود نظامی نیز سوق دهند.

۱۱. ترور امضای منافقین را دارد. خودکشی پس از ترور، یکی از رویه‌هایی است که در میان اعضای منافقین دیده می‌شود.

۱۲. نباید نسبت به تحرکات سعودی بی‌تفاوت بود. به نظر می‌رسد عربستان سعودی نیز در حال بازگشت به دوره پشتیبانی از تحرکات ضدایرانی است.

۱۳. محیط مذهبی و افراد فعال در آن کلان‌مسئله ترورهای اخیر در ایران هستند. افراد ترورشده مانند دو امام جمعه کازرون، روحانی همدانی، ترور سلیمانی امام جمعه و نماینده رهبری در سیستان‌وبلوچستان در بابلسر، ترور چند روحانی در حرم امام رضا(ع) و ترور قضات دیوان عالی همه شامل روحانیون بوده است. این مسئله منحصر به شیعیان نمی‌شود و در خلال اغتشاشات ۱۴۰۱، یک روحانی مشهور اهل سنت نیز ربوده و به شهادت رسید. همچنین عملیات‌های تروریستی شاه‌چراغ و مزار سردار شهید سلیمانی در محیط‌های مذهبی صورت گرفتند. عملیات در اماکن مذهبی توسط گروه‌های تروریستی تکفیری غیرشیعه و ترور روحانیون به جز ترور روحانیون در حرم امام، همه توسط عوامل محلی صورت گرفته است.

در این ترورها، چیزی بیش از تدارک و برنامه‌ریزی تیمی وجود دارد. ترور قضات تیمی بود اما ترور و هدف قرار دادن روحانیت بیشتر از هرچیز به نقشی بازمی‌گردد که این طبقه به‌عنوان عمق استراتژیک ایران بازی می‌کند. در دوران شاه یا پیش از آن صفویه، ایران از هم پاشیده بود اما در هر دو نوبت این روحانیون شیعه بودند که اوضاع کشور را سامان دادند. همچنین مناسبات در حوزه‌های علمیه و روحانیت بسیار پیچیده‌تر از دیگر طبقات در میان حاضران در قدرت است. به نظر می‌رسد دشمن به دلیل ناتوانی در ضربه مؤثر به این طبقه، درصدد ترور است. از این رو در ترور قضات دیوان عالی علاوه بر جایگاه قضایی و سیاسی باید به کسوت افراد هدف قرار گرفته نیز توجه کرد.

زمانی که از طریق مناسبات و نفوذهای متداول طبقه روحانیت به‌طور مؤثری به چالش کشیده نمی‌شد دشمن راه دیگر را حذف مکانیکی و مستقیم می‌داند.

۱۴. از آن رو که ترورهای چند سال اخیر به‌طور خاص روحانیت را هدف قرار داده است، می‌توان از نوع جدیدی از تروریسم در جهان سخن گفت. در برخی از این ترورها رابطه‌ای مستقیم میان طراح و عامل وجود ندارد. به عبارت دیگری این ترورها از طریق خطوط ناپیدا و از مسیرهای ارتباطات غیرمستقیم ذهنی صورت می‌گیرند. از یک‌سو با تحریم‌ها اوضاع اقتصادی وخیم می‌شود، از سوی دیگر در رسانه‌ها و فضای مجازی ناعدالتی‌ها برجسته شده و روحانیون در مرکز شماتت‌ها قرار می‌گیرند و از راه‌های دیگر نیز بر ضد دین تبلیغات می‌شود؛ در نتیجه برخی از افراد آسیب‌دیده، با تحریک، اهداف خود را برای ترور می‌یابند؛ بدون آنکه دستوری گرفته باشند. نمی‌توان همه ترورها را بدون ارتباطات مستقیم دانست اما حتی ترورهای مستقیم نیز از بستر غیرارتباطی ترور بهره گرفته‌اند. عامل اخیر که یک نیروی خدماتی نامیده شده احتمالاً به‌سان دیگر کارمندان دارای مشکلات اقتصادی بوده و در سایه تحریک‌های صورت‌گرفته به خدمت دشمن درآمده و دست به اقدام زده است؛ چه اینکه اگر او در سوابق خانوادگی خود نقص‌هایی داشت، احتمالاً حضورش در این محل رد می‌شد.

هرچند باید توجه داشت که اصولاً این ارتباطات خانوادگی نیز عمدتاً کشف نمی‌شوند.

۱۵. قضات هدف قرار گرفته نمادهای مجازات افراد و گروه‌هایی بودند که در داخل اغتشاش می‌کردند. سابقه، جدیت، احکام و جایگاه آنان در ترکیب با یکدیگر چهره‌هایی نمادین از آن‌ها ساخته بود.

۱۶. قضات شهید اقداماتی در حوزه مقابله با دشمن انجام داده‌اند که به نظر دشمن باید بلافاصله پس از دسترسی آنان را به شهادت می‌رساند. با این حال فاصله‌گذاری برای به شهادت رساندن‌ها، نشان‌دهنده هدف‌گذاری‌هایی است.

۱۷. ترور ساعاتی پس از ورود مسعود پزشکیان رئیس جمهور به تهران صورت گرفت. ترور قبلی از این دست، یک روز پس از مراسم تحلیف او رخ داده بود.

به نظر می‌رسد رژیم‌صهیونیستی به‌عنوان آمر اصلی این ترورها درصدد بازی روانی با رئیس جمهور و تیم وی است. چالش‌آفرینی نسبت به گام‌هایی که او برمی‌دارد، برای دشمن اهمیت دارد.

این اقدامات نیز براساس برداشت‌های دشمن از شخصیت رئیس جمهور و تیم وی طراحی شده‌اند. فارغ از شخصیت رئیس جمهور و سیاستمداران داخلی‌اش تعدادی از پیشکسوتان سیاسی اطراف او را احاطه کرده‌اند که دارای آرزوها و ادعاهایی در سیاست خارجی‌اند.

نمونه برجسته این افراد رئیس ستاد انتخاباتی رئیس جمهور است که به مشاور او در حوزه امور دریایی تبدیل شده، اما با وجود معانی خاص این پست که به وی رسیده، همچنان نه‌تنها به داخل اکتفا نمی‌کند، بلکه به دنبال مدیریت امور جهانی و توازن قواست.

بازی رژیم‌صهیونیستی با مراسم‌های رئیس جمهور و خرج کردن کارت‌هایش در این مسیر نشان می‌دهد تل‌آویو حساب زیادی روی این اطرافیان، فعال شدن و چالش‌آفرینی‌شان دارد؛ چه اینکه عمده این افراد کسانی‌اند که با توجه به سن بالا نیاز به خودشکوفایی دارند. اساس ادعاهای آن‌ها برای مدیریت جهانی نیز بیشتر از همین نیاز به خودشکوفایی ناشی می‌شود.

۱۸. ترور صورت گرفته به شکل دسته‌ای انجام شد به این معنا که چند فرد ارزشمند که هدف ترور بودند، یک جا به شهادت رسیدند. ترور دسته‌ای افراد ارزشمند به رویه دشمن در قالب جنگ طوفان الاقصی بدل شد و از جنبه‌های مختلف پیگیری می‌شد.

خود رژیم با حملات هوایی از جمله هدف‌گیری ستاد فرماندهی مقاومت لبنان و جلسه فرماندهان یگان رضوان به شکل نظامی در ترور دسته‌ای حضور دارد. تلاش برای ترور فرماندهان مقاومت در حلب با استفاده از عوامل نفوذی، یک نمونه دیگر از ترورهای دسته‌ای است که طی آن مستشار ارشد نظامی ایران و مقاومت لبنان در منطقه به همراه فرماندهان سوریه به شهادت رسیده و فرماندهان روس نیز زخمی شدند.

۱۹. عوامل کاشته‌شده دشمن در داخل و به‌ویژه مراکز حساس کم نیستند. کشته شدن جمشید شارمهد، تروریست و جاسوس آلمانی و همچنین کشته شدن یک جاسوس دیگر سوئیسی، آن هم در میانه مذاکرات ایران با اروپا دستان آشکار رژیم‌صهیونیستی را پشت سر خود دارد. رژیم‌صهیونیستی و منافقین از بزرگ‌ترین بازندگان ایجاد روابط میان ایران و اروپا هستند. آمریکا نیز به دلیل ضدیت با چندجانبه‌گرایی مخالف این روابط است. در مقابل چین و به‌ویژه روسیه حتی اگر زیان‌هایی در این نوع روابط داشته باشند به دلیل منافع کلان خود در چندجانبه‌گرایی با اساس آن مخالفت ندارند.

جنگ طوفان الاقصی تمام شد یا در ریل دیگری قرار گرفت؟

آتش‌بس در غزه به معنای اتمام جنگ طوفان الاقصی است اما به نظر می‌رسد جنگ در یک حوزه پایان یافته اما در حوزه و ریلی دیگر قرار گرفته است. در این بخش به دلایل تداوم جنگ و تغییر ریل آن پرداخته شده است.

۱. احساس توانمندی رژیم‌صهیونیستی در جنگ اطلاعاتی

رژیم‌صهیونیستی در نبردهای نظامی جنگ طوفان الاقصی شکست خورد اما بنا به دلایلی احساس می‌کند به لحاظ اطلاعاتی هنوز توان ادامه دادن به نبرد را دارد. از نظر اطلاعاتی نیز صهیونیست‌ها شکست خورده‌اند اما به‌زعم‌شان، این صحنه از نبرد برای محور مقاومت ویرانگرتر است اما تل‌آویو با پرده‌پوشی می‌تواند ضربات به خود را مدیریت کند.

باید توجه داشت در جنگ اطلاعاتی میان دو طرف تنها توازن محاسبه نشده است، بلکه میزان آسیب‌پذیری مورد نظر است. به‌عنوان نمونه در حوزه نظامی هرچند رژیم‌صهیونیستی و آمریکا توانمندی‌های قابل‌توجهی دارند؛ اما محدودیت سرزمینی رژیم و حضور نقطه‌ای پایگاه‌های آمریکا در منطقه آن‌ها را از نظر نظامی با وجود توانمندی‌شان آسیب‌پذیر می‌کند.

در مقابل به لحاظ اطلاعاتی حتی اگر ضربات محور مقاومت به رژیم‌صهیونیستی قاطع‌تر باشند از نظر اثری که بر افکار عمومی گذاشته می‌شود ضربات علیه محور مقاومت زیان‌بارتر تلقی می‌شوند.

۲. دلایل جنگ باقی مانده‌اند

جنگ دیگر در ابعاد نظامی کشش ادامه یافتن نداشت اما دلایلی وقوع جنگ همچنان وجود داشتند. ادامه جنگ در ابعاد نظامی می‌توانست به جنگ فراگیر و منطقه‌ای تبدیل شود که امکان‌پذیر نبوده و مطلوب هیچ یک از طرفین نبود.

۳. پس از ۷ اکتبر همه چیز بزرگ‌تر از قبل و به‌هم‌پیوسته است

پس از ۷ اکتبر تعارفات کنار گذاشته شده و با جابه‌جایی خطوط قرمز هر اقدامی بسیار بزرگ‌تر از نمونه قبلی خواهد بود. علاوه بر عظمت ابعاد به لحاظ زمانی نیز فاصله اقدامات اندک‌تر می‌شوند. خود این پدیده نشان می‌دهد دیگر زدوخوردی درکار نیست و طرفین در یک جنگ به‌هم‌پیوسته قرار دارند.

چگونه انگلیس و آمریکا گروه تحریرالشام را تقویت کردند

کارخانه تولید شورشی

حانیه قاسمیان
مترجم

درحالی‌که در ماجرای تسخیر دمشق توسط تحریرالشام، چشم همه به بازیگری ترکیه بود و نقش‌آفرینی ترکیه توسط رسانه‌های غربی چنان پررنگ برساخت شد که همه نگاه‌ها به سمت او رفت؛ تعدادی از خبرنگاران تحقیقی به سراغ روابط مالی پیچیده میان تحریرالشام و ایالات متحده و انگلیس رفتند و بر سیاست یکی به نعل و یکی به میخ غربی‌ها در قبال تحریرالشام از سالیان قبل تاکنون نور انداختند. باور این گروه از روزنامه‌نگاران تحقیقی مستقل آن است که گرچه ترکیه در عرصه سیاسی نقش اصلی در برآمدن تحریرالشام در دمشق داشت اما اقتصاد سیاسی مخوف این گروه‌های شورشی و ارتباطش با منافع ناتو و آمریکا را در این بازی نباید نادیده گرفت. تمرکز بر نقش‌آفرینی ویژه ایالات‌متحده و انگلیس در حمایت مالی از تحریرالشام می‌تواند پرسش‌هایی درباره منافع ایالات متحده در برآمدن تحریرالشام مطرح کند و به پرسش‌هایی درباره امکانات مهار تحریرالشام با توجه به حمایت‌های ناتو از او پاسخ دهد.

افشاگری‌های اخیر نشان می‌دهد که چگونه لندن و واشنگتن از طریق کانال‌های غیرمستقیم، تسلیحات، آموزش و منابع مالی را به گروه‌هایی مانند تحریرالشام رسانده‌اند. درحالی‌که این اقدامات به‌ظاهر در چهارچوب تلاش برای تقویت شورشیان «میانه‌رو» صورت گرفته است، اما عملاً موجب تثبیت قدرت گروه‌های افراطی شده و به ایجاد ساختارهای شبه‌دولتی در مناطق تحت کنترل آن‌ها کمک کرده است.

این همکاری‌های غیررسمی و گاه متناقض پیامدهای گسترده‌ای برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است. حمایت غرب از گروه‌هایی که نه‌تنها با دولت سوریه بلکه با سایر بازیگران منطقه‌ای درگیرند، نشان‌دهنده تناقض‌های سیاست خارجی این کشورها در جنگ نیابتی سوریه است. در این میان قدرت گرفتن تحریرالشام به‌عنوان یک بازیگر سیاسی - نظامی، نه‌تنها چالش‌های جدیدی برای امنیت منطقه‌ای ایجاد کرده بلکه به القاعده و دیگر گروه‌های افراطی نیز فرصت گسترش در سایه بی‌ثباتی را داده است. این مقاله که از انگلیسی به فارسی برگردانده شده به بررسی این سیاست‌ها، پیامدها و اهداف پشت پرده این اتحادهای پرتناقض می‌پردازد.

کیت کلارنبرگ - روزنامه‌نگار تحقیقی انگلیسی است که آثارش به بررسی نقش سرویس‌های اطلاعاتی در شکل‌دهی به سیاست و برداشت‌های عمومی می‌پردازد.

مطالعه‌ای عمیق درمورد حمایت مخفیانه انگلیس و آمریکا از گروه تحریرالشام پرده از استراتژی‌های حساب‌شده و مخفیانه غرب برای حمایت از این گروه تروریستی مرتبط با القاعده و تحت تحریم سازمان ملل، که امروز کنترل بخش‌هایی از سوریه را در دست دارد، برمی‌دارد.

در تاریخ ۱۸ دسامبر، روزنامه تلگراف تحقیقی فوق‌العاده منتشر کرد که نشان می‌داد انگلیس و آمریکا نیروهایی را در ارتش انقلابی کماندوها (ارتش آزاد سوریه)، یک نیروی «شورشی» که با گروه تحریرالشام در حمله گسترده‌ای برای سرنگونی رئیس‌جمهور سوریه، بشار اسد همکاری کرده بود، آموزش داده و «آماده کرده‌اند.» این افشاگری بی‌سابقه نشان داد که واشنگتن نه‌تنها مدت‌ها پیش از این حمله اطلاع داشته بلکه اطلاعات دقیقی از ابعاد آن نیز در اختیار داشته است. این «اتحاد مؤثر» آمریکا با تحریرالشام که اکنون تأیید شده است به‌عنوان یکی از «تناقضات متعدد» جنگ نیابتی ۱۵ ساله سوریه توصیف شده است. روزنامه تلگراف ادعا کرد این همکاری به‌صورت ناخواسته رخ داده است - صرفاً نتیجه‌ای از جنگ داخلی طولانی و فرسایشی سوریه که «مجموعه‌ای پیچیده از شبه‌نظامیان و اتحادها، بیشترشان تحت حمایت قدرت‌های خارجی» را به وجود آورده است.

ادامه در صفحه ۱۵